

مجموعه کتب مسکن

نصاب تربیاتی فرزاد زرین قلم



انتشارات پرهام نقش

بررسی پنج حوزه معنایی به مثابه متن

- فضا و مکان
- فضاهای زندگی جمعی (شهر)
- فضاهای ارتباطی (راه)
- فضاهای سبز مصنوع (باغ)
- فضاهای سکونت (خانه)

براتی، ناصر، ۱۳۳۴ -

عنوان و نام پدیدآور: ملاحظات در رابطه زبان، فرهنگ، ادراک و محیط انسان ساخت/ ناصر براتی، فرزاد زرین قلم.

مشخصات نشر: تهران: پرهام نقش، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۱۵۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۲۶-۱۸-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۷۹.

یادداشت: نمایه.

موضوع: زبان و فرهنگ

موضوع: فرهنگ -- الگوهای نشانه شناسی

موضوع: اندیشه و تفکر

موضوع: زبان شناسی

شناسه افزوده: زرین قلم، فرزاد، ۱۳۶۴ -

رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ ۴۷۲/۳۵

رده بندی دیویی: ۳۰۶/۲۴

شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۹۲۶۳۲



انتشارات پرهام نقش

ملاحظات در رابطه زبان، فرهنگ، ادراک و محیط انسان ساخت

مؤلفان: ناصر براتی، فرزاد زرین قلم

ناشر: پرهام نقش

طراح جلد: حسین مینی پور

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۸۵,۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۲۶-۱۸-۰

مرکز توزیع و فروش:

کتاب پرهام www.parhambook.com

خیابان انقلاب، ابتدای خیابان ۱۲ فروردین، پلاک ۲۹۷

تلفن: ۶۶۴۶۸۲۳۵

سیمای دانش

تلفن: ۶۶۹۶۶۱۱۴

فهرست مطالب

۵	پیشگفتار
۹	بخش یکم: زبان، ادراک، نشانه و فرهنگ
۱۳	فصل ۱: زبان، ادراک، محیط و فرهنگ
۱۴	۱-۱- زبان و جهانی‌های زبانی
۱۹	۱-۲- زبان، ادراک، فرهنگ و «فرضیه‌ی ساپیر-ورف»
۲۷	۱-۳- نقدهایی بر «فرضیه‌ی ساپیر-ورف» و بیان نکاتی پیرامون آن‌ها
۳۳	۱-۴- زبان و هویت
۳۵	خلاصه‌ی مطالب
۳۷	فصل ۲: نشانه و نشانه‌شناسی
۳۸	۲-۱- نشانه از دیدگاه سوسور
۴۴	۲-۲- نشانه از دیدگاه پیرس
۴۷	۲-۳- نشانه از دیدگاه پساساختگرایان
۴۹	خلاصه‌ی مطالب
۵۱	فصل ۳: مفهوم فرهنگ
۵۲	۳-۱- نظریات مارکس، آرنولد، ویلیامز و اسلامی‌ندوشن درباره‌ی فرهنگ
۵۴	۳-۲- نظر ساختگرایان درباره‌ی فرهنگ
۵۶	۳-۳- رولان بارت، اسطوره و فرهنگ
۵۹	۳-۴- نظر پساساختگرایان درباره‌ی فرهنگ
۶۱	۳-۵- مفهوم فرهنگ مورد نظر این مطالعه
۶۷	خلاصه‌ی مطالب
۶۹	فصل ۴: نشانه‌شناسی لایه‌ای و حوزه‌ی معنایی به مثابه «متن»
۷۰	۴-۱- زبان و گفتار (لنگ و پارول)
۷۱	۴-۲- روابط هم‌نشینی و متداعی
۷۱	۴-۳- نشان‌داری
۷۲	۴-۴- بازبینی مفاهیم نشانه، متن و رسانه و معرفی «نشانه‌شناسی لایه‌ای»

۸۱	۴-۵- حوزه‌ی معنایی به مثابه‌ی متن
۸۴	۴-۶- واژه، معنا، مرجع و مصداق
۹۰	خلاصه‌ی مطالب
۹۳	بخش دوم: بررسی پنج حوزه‌ی معنایی
۹۷	فصل ۱: حوزه‌ی معنایی فضا و مکان
۹۸	بررسی واژگان حوزه‌ی معنایی «فضا و مکان»
۱۰۲	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۰۵	فصل ۲: حوزه‌ی معنایی فضاهای زندگی جمعی
۱۰۶	بررسی واژگان حوزه‌ی معنایی «فضاهای زندگی جمعی»
۱۱۷	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۲۱	فصل ۳: حوزه‌ی معنایی فضاهای ارتباطی
۱۲۲	بررسی واژگان حوزه‌ی معنایی «فضاهای ارتباطی»
۱۳۲	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۳۵	فصل ۴: حوزه‌ی معنایی فضاهای سبز مصنوع
۱۳۶	بررسی واژگان حوزه‌ی معنایی «فضاهای سبز مصنوع»
۱۴۳	الگوهای ذهنی-زبانی از ساختارهای کالبدی
۱۴۸	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۵۱	فصل ۵: حوزه‌ی معنایی فضاهای سکونتی
۱۵۲	اهمیت فرهنگی «خانه»
۱۵۴	سکونت و مسکن به روایت مارتین هایدگر
۱۵۵	«هستی» و «خانه»
۱۵۷	بررسی واژگان حوزه‌ی معنایی «فضاهای سکونتی»
۱۶۹	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۷۳	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی
۱۷۷	نمایه‌ی نام‌ها
۱۷۹	فهرست منابع

پیشگفتار

از زمان پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ شمسی، تحولات عمیقی در نظام معماری و شهرسازی ایران اتفاق افتاد. در سال‌های نخست بعد از انقلاب، برخوردی شدید و دفع‌کننده نسبت به آنچه در قالب طرح‌های معماری و نیز برنامه‌ها و طرح‌های توسعه در شهرها اتفاق افتاده بود، اتخاذ شد. برای مثال طرح‌های جامع به عنوان نماد دخالت فرهنگی غرب در شکل‌دهی به فضاهای شهری در ایران تلقی گردیده و طرح‌های موجود به کلی کنار گذاشته شدند. چند سال بعد و هنگامی که تب انقلابی‌گری سال‌های اول تا حدودی فروکش کرد، به تدریج معماری و شهرسازی دوران پهلوی، ابتدا به کندی و با اعمال برخی ملاحظات و بعدها با سرعتی حتی بیشتر از گذشته، احیا و به کار گرفته شدند. سرعت توسعه و گسترش شهرهای بزرگ و کوچک در ایران، رشد جمعیت در سال‌های ابتدای انقلاب و نیز مهاجرت نسبتاً زیاد روستائیان به شهرها باعث شدند که در مواردی حتی طرح‌های معماری و شهرسازی در سال‌های قبل از انقلاب از منظر بوم‌گرایی و هویت قابل قبول‌تر به نظر آیند. این در حالی است که شعارها و اهداف انقلاب مسیر دیگری را نشان می‌دادند و البته هنوز هم نشان می‌دهند.

معماری و شهرسازی در ایران، تا قبل از هجوم معماری و شهرسازی مدرن، و به واسطه‌ی قرن‌ها تجربه و به اصطلاح «ورز خوردن» در مکان‌ها و زمان‌های مختلف در این سرزمین پهناور، خود تبدیل به گنجینه‌ی بسیار ارزشمندی از ارزش‌ها، اصول، احکام، ضوابط، معیارهای کیفی و در کنار آن، اندازه‌ها، ابعاد و ویژگی‌های کمی شده بود. معماری و شهرسازی مدرن، با منطق خشک، و اتکا بر تندخویی و ضدیتی که با تاریخ و فرهنگ‌های بومی داشت، اصول، احکام، الگوها و اندازه‌های یک‌نواختی را در قالب رویکرد جهان‌شمول خود به سراسر جهان صادر نمود. این روند طی حدود یک قرن، بنیاد معماری و شهرسازی بومی در همه جهان را به لرزه انداخت و بسیاری از جوامع، کم و بیش در مقابل عمل‌گرایی و دستاوردهای اقتصادی و تکنولوژیکی آن سر فرود آوردند و تسلیم شدند. جالب آن که هرچه قدمت تاریخی و فرهنگی چنین جوامعی بیشتر بود، اثرات تخریب معماری و شهرسازی مدرن در آن‌ها نیز گسترده‌تر و تأسف برانگیزتر می‌نمود. بدون هیچ شکی یکی از آن جوامع، جامعه و فرهنگ ایران است. به موازات این یورش و تخریب و همچنین پاکسازی فرهنگی‌هویی صورت گرفته، نگاه میراثی صرف به بناها و فضاهای زیستی گذشته و تحت برچسب «عناصر و بافت‌های تاریخی»، این زمینه‌ی فرهنگی و در ظاهر فنی-اقتصادی را هم فراهم نمود که همگان شهرهای مملو از ارزش‌های فضایی، فرهنگی، زیستی، انسانی و تاریخی را امری مربوط به گذشته و فاقد ارزش و توان شکل و پاسخ دادن به نیازهای امروز تلقی نمایند. این دیگر تیر خلاصی بود بر بحث معماری و شهرسازی بومی در ایران و کشورهای مشابه.

خوشبختانه از سال‌های اولیه‌ی بعد از انقلاب، افرادی در حوزه‌های مختلف و با انگیزه‌های متفاوت سعی کردند مقهور عظمت ظاهری شهرسازی و معماری مدرن قرار نگیرند و تا آن‌جا که ممکن است به جستجوی راه‌هایی برای خلاص شدن از زیر یوغ آن بپردازند. در همین حال، پایه‌های کاخ عظیم و ظاهراً غیر قابل نفوذ معماری و شهرسازی مدرن یکی پس از دیگری فرو می‌ریخت. با آن‌که نحله‌ی فکری پست‌مدرن نیز در این حوزه نتوانست توفیق چندانی به‌دست آورد ولی حداقل فضاهایی را برای معتقدان به بوم‌گرایی فراهم آورد تا آن‌ها بتوانند در سایه‌ی آن نفسی تازه کنند و به فعالیت‌های آشکار و پنهان خود سرعت، جلا و استحکام ببخشند.

متن حاضر از جمله فعالیت‌هایی در ادامه‌ی سال‌ها تلاش برای زمینه‌سازی شکل‌گیری چارچوب‌هایی برای تدوین نظریاتی به سوی شهرسازی و معماری بومی است. این موضوع که چگونه می‌توانیم شرایط و عناصر کمی و کیفی حال حاضر را به گذشته‌ی تاریخی خود پیوند بزنیم، یک بحث قدیمی در حوزه‌ی احیای فرهنگ کهن در دنیای امروز و بهره‌گیری از آن به‌طور بایسته بوده است. اگر می‌گوییم حدود یک قرن است که معماری و شهرسازی با هویت و اصیل ما از روند طبیعی و تاریخی خود جدا افتاده و به بیراهه رفته است، حال چگونه می‌توانیم این حرکت و سیر انحرافی را به مسیر درست خود بازگردانیم. در این کتاب و مقالات موجود در آن، به عنوان نمونه، سعی شده است نشان داده شود که این اتصال، از جمله می‌تواند از طریق زبان به‌خصوص زبان فارسی صورت بپذیرد. زبان، همان‌گونه که در بخش اول کتاب به آن پرداخته خواهد شد، یکی از خصوصیات نوع انسان و پیوند دهنده‌ی او به جهان بیرون است. زبان بستر ادراک، فهم و تفکر انسان را فراهم می‌آورد و شاید بتوان گفت جهان، برای انسان آن جهانی است که زبان او برایش شناختنی و قابل درک کرده است. در این کتاب ما ضمن اشاره به اهمیت زبان (به عنوان یک نظام نشانه‌ای) در برقراری رابطه‌ی متقابل انسان، فرهنگ، ادراک و محیط، تنها به یک بعد خاص از این ارتباط یعنی واژه‌ها (در حوزه‌های معنایی) در زبان در فرایند ادراک و تعامل بین انسان با محیط خواهیم پرداخت. این اشاره‌ای است به این حقیقت که زبان نقشی بسیار گسترده‌تر در فرایندهای ادراک و شناخت محیط از سوی انسان دارد. ادعا و فرضیه‌ی ما بر این اساس، آن است که زبان فرد از جمله مهم‌ترین عواملی است که ماهیت، ویژگی، معنا و خاصیت محیط را برای فرد تعریف و تعیین می‌کند و بر ادراک او از محیط تأثیر می‌گذارد. بدین ترتیب اگر این فرض را بپذیریم، یکی از راه‌های حفظ و بالندگی محیط، زبان، تاریخ و فرهنگ در هر جامعه‌ای، برقراری ارتباط متقابل و مستمر بین محیط و زبان در آن جامعه است.

ناصر براتی

فرزاد زرین‌قلم